



مجله حقوق بشر



شاپا چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شاپای الکترونیکی: ۱۹۲۲-۲۷۸۳

دوره ۷ - شماره ۲۱ - پاییز ۱۴۰۳

شرط التزام عام در پرتو رویه دیوان داوری ایکسید

امیرحسین یزدانی، ناصر علیدوستی شهرکی

تحلیل حقوقی آراء صادره از دیوان بین‌المللی دادگستری در خصوص دعاوی مرتبط با ایران

سیما عباسی، شهرزاد دربندی

مخاصصات اسرائیل و حماس در آئینه حقوق بین‌الملل کیفری (۲۰۲۳ میلادی)

محمد بابایی، نوید زمانه قدیم، داوود علیزاده

نقش سبک زندگی و رعایت پروتکل‌های بهداشتی در پیشگیری از جرایم مرتبط با کووید-۱۹ از نظر کارشناسان در حقوق کیفری ایران

ایرج مروتی

مدیریت ذخایر هیدروکربوری فرامرزی: همکاری به عنوان یک تعهد عرفی (با تأکید بر رأی دیوان بین‌المللی دریاها در سال ۲۰۱۷ میلادی در دعاوی غنا و ساحل عاج)

علی رضایی، سیدرسول طباطبایی مقدم

حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان

امین‌رضا بهار فلامرزی

نحوه اداره اموال محجورین در حقوق ایران و ترکیه

سارا فرزادی مهر، محمدرضا حقیقی، اسماعیل عموری

تحلیل و بررسی ماهیت جعله در نظام حقوقی ایران

امیرمحمد توکلی، محمدرضا عضدی، قاسم توکلی

ماهیت و ابعاد حقوقی دستور موقت صادره از هیات حل اختلاف قراردادی وزارت نفت

شیدا غم افروز، محمدرضا افشاری، مهدی پیری

حقوق سهامداران نهادی و سهامداران خرد در بازار سرمایه ایران

پریسا رضوان، علی زارع

محدودیت‌های فعالیت نظامی کشورهای ثالث در منطقه انحصاری اقتصادی دولت ساحلی

محسن بهجتی

فرزندخواندگی در نظام حقوقی ایران و انگلستان

زهرا السادات مکی، اسماعیل کشکولیان

مبانی حقوقی تأسیس مدارس غیردولتی در ایران با تأکید بر نقش آموزش و پرورش بر پیشگیری از وقوع جرم

مینا دانش آموز، حکیمه ابوالحسنی

مسیرهای دموکراتیک و استبدادی در آینده حقوق بین‌الملل

سعید بهبودی نژاد

شهرهای هوشمند و حقوق تجارت بین‌الملل

آرام عباسپور جلالی

آثار حقوقی هنجارهای آمره: آن‌کس که جعبه پاندورا را گشود آیا به پیامدش فکر نمود؟

سهیل گلچین

رابطه میان تعهدات شفافیت و سرمایه‌گذاری خارجی در انرژی‌های تجدیدپذیر: تحقق نقش بالقوه موافقتنامه‌های بین‌المللی سرمایه‌گذاری

یوسف اخلاقی

سیاست کیفری ایران در قبال جرائم خاص نظامی نیروهای مسلح

یاسر شاکری



Criminal Protection of Children and Adolescents at Risk in the Laws of Iran and Lebanon

حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان

Amin Reza Bahar Falamarzi

Master of Criminal Law and Criminology, Faculty of Law and Political Science, Shiraz University, Shiraz, Iran

امین رضا بهار فلامرزی

کارشناس ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

ar.falamarzi@yahoo.com

Abstract

Article 1173 of the Iranian Civil Code can be considered an example of “children and adolescents at risk” or “vulnerable children”. These children, for the same reasons that put them at risk and all kinds of harm, need different support in all kinds of criminal policy elements in order to save themselves from this dangerous situation. The study, while providing a brief definition of some basic concepts and examining examples of children and also children at risk and the extent of criminal and non-criminal protections for them, through the application of legal measures in the current laws and regulations of the country, with a comparative approach and attitude The legal and criminal system of the country of Lebanon concludes that I have not yet witnessed a systematic, coherent and integrated law and regulation in the form of a special title such as the law “Protection of children and adolescents at risk”. Such a situation prevails in Lebanon and there is no separate law that is not under this title, although various laws, such as the Model Law on the Protection of Children in Lebanon, have provided some protection to this vulnerable group in this regard.

Keywords: Children and Adolescents, Iranian Law, Lebanese Law.

چکیده

ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی ایران را می‌توان مصداقی از «اطفال و نوجوانان در معرض خطر» یا «کودکان آسیب پذیر» به حساب آورد. این کودکان به همان دلایلی که آن‌ها را در معرض خطر و انواع آسیب‌ها قرار می‌دهد، نیازمند حمایت‌های مختلف در انواع ارکان سیاست جنایی هستند تا بدین طریق از این وضعیت مخاطره‌آمیز نجات پیدا کنند. پژوهش حاضر ضمن ارائه تعریفی مختصر از برخی مفاهیم اساسی و بررسی مصداق کودکان و اطفال در معرض خطر و گستره حمایت‌های کیفری و غیرکیفری از آنان، از طریق به کارگیری تدابیر قانونی موجود در قوانین و مقررات کنونی کشور، با یک رویکرد و نگرش تطبیقی با نظام حقوقی و کیفری کشور لبنان، نتیجه می‌گیرد که هنوز شاهد یک قوانین و مقررات نظام مند، منسجم و یکپارچه در قالب یک عنوان ویژه مانند قانون «حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر» نمی‌باشیم. در کشور لبنان نیز چنین وضعیتی حکمفرما است و قانون جداگانه‌ای که تحت این عنوان نباشد وجود ندارد، هرچند که قوانین متفرقه‌ای نظیر قانون نمونه حمایت از کودکان در این زمینه تا حدودی به حمایت از این قشر آسیب پذیر پرداخته است.

واژگان کلیدی: اطفال و نوجوانان، حقوق ایران، حقوق لبنان.

Received: 2024/04/11 - Review: 2024/06/23 - Accepted: 2024/08/03

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۴/۱۱ - بازنگری مقاله: ۱۴۰۳/۰۶/۲۳ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۰۸/۰۳

ارجاع:

بهار فلامرزی، امین‌رضا؛ (۱۴۰۳)، حمایت کیفری از اطفال و نوجوانان در معرض خطر در حقوق ایران و لبنان، تمدن حقوقی، شماره ۲۱.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA



مقدمه

از گذشته تاکنون، اطفال و نوجوانان با توجه به شرایط فیزیولوژیکی بیشتر در معرض سوءرفتار یا پایمال شدن حقوق شان قرار گرفته‌اند که این موضوع به تدریج باعث شکل‌گیری یک نظام حمایتی کیفری و غیرکیفری در اسناد بین‌المللی و حقوق داخلی گردیده است. اما باید توجه داشت که مقدمه بهرمندی کودکان از این حمایت‌هاشناسایی موارد تضییع حقوق آن‌ها است (حسین پور و غلامی، ۱۴۰۱، ۱۱۸). کودکان آینده‌سازان کشور هستند که بزه دیدگی آنان می‌تواند سبب ایجاد محرومیت‌ها، مخاطرات جدی و تکرار بزه دیدگی یا تبدیل به بزه‌کاری در ایام جوانی و بزرگسالی گردد (ابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶، ۸۷).

کودکی از مراحل بنیادین زندگی هر انسان در جامعه است. اگر این مرحله به‌خوبی شناخته شده و به‌طور مناسب پشت سر گذاشته شود، جامعه مملو از افرادی خواهد بود که قابلیت‌های لازم برای زندگی در وضعیتی مطلوب را دارند. در واقع دوره کودکی دوره‌ای است که انسان سپری می‌کند تا از کودکی بیولوژیکی به عضوی اجتماعی تبدیل شود. میزان سلامت جسمانی دوران کودکی به ارتباط خانواده با وی و این که تا چه میزان تلاش می‌کند نیازهای او را برآورده سازد بستگی دارد. کودکانی که در این سال‌ها از نظر عاطفی، روانی، جسمی، فرهنگی، تربیتی و... از سوی خانواده تأمین نمی‌شوند یا در معرض خطرهای جدی یا مستمر قرار می‌گیرند احتمال و ریسک آسیب‌ها و ناهنجاری‌های آنان در آینده افزایش

می‌یابد. همواره کودکان و نوجوانان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین قشر جامعه نیازمند توجه، حمایت و نیز مستحق نگاه ویژه‌ای از سوی مسئولین و سیاست‌گذاران جامعه‌اند. این مسئولیت اجتماعی و حاکمیتی زمانی دوچندان می‌شود که اطفال و نوجوانان در معرض آسیب و خطر باشند. شناسایی این عوامل آسیب‌زا و واکنش مناسب اجتماعی و حمایت لازم نسبت به اطفال و نوجوانان در چنین شرایطی از وظایف حاکمیت و در ارتباط با نظم عمومی است.

به منظور تدوین یک سیاست اجتماعی جامع و کارآمد که بتواند طیف گسترده کودکان و نوجوانان بزه دیده، شاهد جرم، در معرض خطر و معارض با قانون را شامل شود دولت‌ها باید با بهره‌گیری از سازمان‌های غیردولتی، در مرحله اول، برنامه‌ای مدون در پیشگیری اجتماعی از بزهکاری را سامان‌دهی کنند و از طریق این برنامه‌ریزی حداقل رفاه را در تأمین نیازهای ضروری کلیه آحاد جامعه از جمله کودکان و نوجوانان فراهم نمایند. سپس با عنایت ویژه به افشار آسیب‌پذیر اجتماعی که مصداق بارز آنان کودکان و نوجوانان در معرض خطر، قربانی و شاهد جرم هستند با برنامه‌ریزی اصولی اقدامات مؤثری برای جلوگیری از سقوط ایشان در ورطه بزهکاری مبذول دارند. در نهایت با رواج دادن این نگرش که کودکان و نوجوانان معارض با قانون در واقع بزه دیده، شاهد جرم و در معرض خطر بوده‌اند و به لحاظ قصور و سهل‌انگاری اولیای خود و هیئت اجتماع در مسیر انحراف و بزهکاری افتاده و سقوط کرده‌اند، ضمن ترتیب دادرسی عادلانه و کارآمد در نظام قضایی با اتخاذ راهکارهای مؤثر به بازسازی شخصیت، آموزش، تربیت و اصلاح ایشان همت گمارند و از روش‌های تنبیهی سرکوبگر و فرستادن آنان به مؤسسات بسته پرهیز نمایند و فقط به‌عنوان آخرین راه چاره و در صورت ضرورت و در کوتاه‌ترین مدت، آزادی ایشان را سلب کرده و از دامن خانواده و اجتماع جدا سازند و در همان مدت کوتاه نیز با استانداردسازی مؤسسات در تطبیق با اعلامیه سازمان ملل متحد درخصوص ضوابط نگهداری کودکان و نوجوانان محروم از آزادی، زمینه بازهم‌نواسازی اجتماعی آنان را فراهم سازند (زینالی، ۱۳۹۰، ۵۷).

امروزه جوامع مختلف در راستای وظایف خود به موضوع کودکان و نوجوانان در معرض خطر توجه ویژه‌ای دارند و در نظام حقوقی خود برای حمایت از کودکان در معرض خطر و این قشر ضعیف با آسیب‌پذیری مضاعف، قوانین حمایتی خاصی تدوین کرده‌اند. مقایسه تطبیقی میان نظام‌های حقوقی مختلف در این موضوع می‌تواند تبیین بهتری از نوع و چگونگی حمایت‌ها و شیوه‌های اتخاذ شده ارائه دهد و امکان ارزیابی و ارتقای سیاست‌های اجتماعی را فراهم نماید و نقات قوت و ضعف را آشکار نماید.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که زندگی کودکان را تحت تأثیر قرار می‌دهد، ارتکاب جرم به دست والد یا والدین و به دنبال آن زندانی شدن آن‌ها است که باعث ایجاد تجربه متفاوتی در زندگی کودک شده و احتمالاً با تجربه زیسته کودکان دیگر متفاوت است و زندگی آتی آن‌ها را با خطرهای فراوانی مواجه می‌سازد. پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد که زندانی شدن والدین اثراتی مشابه با طلاق، فقر و زندگی در محله‌های جرم خیز بر کودکان می‌گذارد و آنان را در معرض استعمال زودرس الکل و مواد مخدر، پرخاشگری، افت تحصیلی و بزهکاری قرار می‌دهد (مهدوی، ۱۳۹۷، ۱۹). از آن جا که حمایت اجتماعی از فرزندان دارای والد زندانی بسیار پایین است، گسترش خدمات فرهنگی و اجتماعی سازمان‌های اجتماعی و رفاهی و برنامه‌های فرهنگی و آموزشی برای ایجاد نگرشی صحیح در شهروندان و اطرافیان خانواده‌های زندانیان در این موارد ضروری است (طباطبایی و همکاران، ۱۳۹۲، ۲۳).

۱- مفهوم کودکان در معرض خطر

کودک آزاری جنسی به هرگونه عمل جنسی با کودک به منظور تأمین لذت جنسی والد، فرد مراقب یا هر فرد دیگری که مسئولیت کودک را بر عهده دارد گفته می‌شود. سوءرفتار جنسی شامل فعالیت‌هایی نظیر نوازش آلت تناسلی یک کودک، دخول، زنا با محارم، تجاوز، رابطه جنسی از طریق مقعد و عورت نمایی است (انجمن روانپزشکی آمریکا، ۳۹۴، ۷۵۷).

بر این اساس کودکانی که در خانواده از هم پاشیده، منحرف، طلاق و دارای سوءرفتار زندگی می‌کنند در معرض خطر قرار دارند. همچنین کودکان خیابانی، کودکان رها شده که رشد جسمانی، عاطفی، روانی و اجتماعی و به‌طور کلی فرایند اجتماعی شدن و رفاه آنان در معرض آسیب‌های جدی قرار دارد به دلیل شرایط دشوار در معرض وضعیت ماقبل بزه دیدگی قرار دارند. به‌عنوان نمونه وادار کردن کودکان به توزیع و فروش مواد مخدر یا روسپیگری توسط والدین منحرف احتمال بزهکاری این کودکان را افزایش می‌دهد (معظمی، ۱۳۹۰، ۷۰).

ماده سوم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ درخصوص وضعیت مخاطره چنین مقرر می‌دارد: «موارد زیر در صورتی که طفل یا نوجوان را در معرض بزه دیدگی یا ورود آسیب به سلامت جسمی، روانی، اجتماعی، اخلاقی، امنیت و یا وضعیت آموزشی وی قرار دهد، وضعیت مخاطره‌آمیز محسوب شده و موجب مداخله و حمایت انونی از طفل و نوجوان می‌شود...». همچنین مطابق ماده اول

قانون نمونه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر لبنان: «نوجوانی که در این قانون در مورد او اعمال می‌شود شخصی است که در صورت ارتکاب جرمی که قانوناً مجازات دارد یا در معرض خطر باشد، هیجده سال تمام نشده باشد». به عبارتی دیگر، مطابق این قانون کلیه افراد زیر هیجده سال را به عنوان اطفال و نوجوانان در معرض خطر قلمداد نموده است.

۲- حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان

حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان به مفهوم‌شناسایی آن‌ها به عنوان شهروندانی در معرض خطر بزه دیدگی و یا حتی بزه کاری و لزوم پیش‌بینی راهبردهای مناسب برای کاستن از رخداد احتمالات پیش گفته است. در این راستا قانون‌گذار کیفری باید مهم‌ترین علل رخداد بزه دیدگی و بزه کاری کودکان و نوجوانان را شناسایی کرده و با پیش‌بینی واکنش‌های مناسب در این باره بکوشد تا این احتمال کمتر شود. به‌طور کلی حمایت کیفری یکی از مهم‌ترین رسالت‌های نظام‌های عدالت کیفری است که نسبت به ارزش‌ها و یا موضوعات گوناگون در جامعه انجام می‌شود. از آن جا که از دیرباز کودکان و نوجوانان به عنوان شهروندانی آسیب پذیر شناخته شده‌اند، لذا لازم است که حمایت پیش گفته نسبت به آنان استوارانه انجام شود. حمایت یاد شده باید در چهارچوب سازه‌های نهادهای گوناگون موجود در هریک از نظام‌های حقوقی و یا عدالت کیفری انجام شود. چابکی این نظام‌ها برای انجام این رسالت و فراهم نمودن هریک از بایسته‌های آن یکی از سنجه‌های مهم برای ارزیابی میزان کارآمد بودن زمامداری حاکمیت و از جمله نظام حقوقی کشور شناخته می‌شود.

حمایت از اطفال در معرض خطر به دو شکل انجام می‌گیرد: نخست، حمایت از نوع اداری، بدین معنا که با کمک واحدهایی که در زمینه کمک اجتماعی به اطفال فعالیت می‌کنند، تدابیری غیرقهرآمیز به منظور کمک به والدینی که مشکلات مادی یا تربیتی در روابط خود با فرزندان شان دارند اتخاذ کرد (ایولاسال و نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۶، ۱۲۴). دوم، حمایت قضایی، یعنی اتخاذ تدابیری که جنبه قهرآمیز دارند. در نظام حقوقی ایران حمایت از اطفال در معرض خطر پیش‌بینی شده است به گونه‌ای که در ماده ۱۱۷۳ قانون مدنی به دادگاه اجازه داده شده در صورتی که در اثر عدم مواظبت یا انحطاط اخلاقی پدر یا مادری که طفل در حضانت او است صحت جسمانی و یا تربیت اخلاقی طفل در معرض خطر باشد، در صورت تقاضای اقربای طفل یا قیم یا رئیس حوزه قضایی هر تصمیمی را که برای حضانت طفل مقتضی

بداند اتخاذ کند. با این تفاوت که در این ماده به سلامت روانی و امنیت طفل پرداخته نشده است. در ماده سوم قانون نمونه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر لبنان قانون‌گذار تدابیری را درخصوص حمایت کیفری از این دسته از افراد در نظر گرفته است. در قسمتی از این ماده چنین مقرر نموده است: «نوجوان متخلف از برخورد عادلانه و انسانی برخوردار است و تشریفات تعقیب، تحقیق و محاکمه وی تابع مقرراتی است». همچنین مطابق بند اول ماده بیست و چهارم همین قانون درخصوص شرایط مخاطره‌آمیز چنین مقرر نموده است: «اگر نوجوان در محیطی یافت شود که او را در معرض استثمار قرار دهد یا سلامت، ایمنی، اخلاق یا شرایط تربیتی او را تهدید نماید».

۳- اهداف حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان

به‌طور کلی حمایت کیفری از کودکان و نوجوانان برای دستیابی به اهداف مهمی انجام می‌شود که در ادامه این اهداف از نظر گذرانده می‌شود.

۳-۱- پشتیبانی از کودکان در معرض خطر بزه دیدگی

کودکان در شمار گروه‌های در معرض خطر جای می‌گیرند و همواره با احتمال بزه دیدگی مواجه هستند. این واقعیت سازه‌های گوناگون نظام اجتماعی را به کنشگری در راه پیاده‌سازی حمایتی استوار و فراگیر از آنان در برابر احتمال رخداد بزه دیدگی فرا می‌خواند که خود در چهارچوب کلی حمایت کیفری قابل طرح است. بدین ترتیب نظام عدالت کیفری با درک مخاطرات گوناگون فراوی کودکان و نوجوانان می‌کوشد تا با استفاده از ظرفیت‌های آشکار موجود در حقوق کیفری به توانمندسازی این شهروندان در برابر چالش پیش گفته که می‌تواند از یک‌سو خود آنان را با چالش‌های بسیاری مواجه کرده و از سوی دیگر نیز پیامدهای ناگوار گوناگونی را برای شهروندان به همراه آورد، پردازد.

۳-۲- توانمندسازی کودکان در معرض خطر بزه دیدگی در پرتو بازجامعه‌پذیری مناسب

شاید بتوان یکی از مهم‌ترین دلایل جای‌گیری کودکان را در وضعیت در معرض خطر بزه دیدگی، برخوردار نبودن آنان از جامعه‌پذیرسازی مناسب و مورد انتظار از نهاد خانواده دانست که خود در پرتو نبود آشکار مهارت‌های والدینی مناسب و متعارف روی می‌دهد. بدین ترتیب حمایت کیفری از این کودکان اقتضاء دارد رویکردهای مناسب در راه کاستن از احتمال رخداد جرم و بزه دیدگی از سوی نهادهای کنشگر ذیربط به کودکان یاد شده آموزش داده شود. در این صورت می‌توان انتظار داشت که با برخورداری از این

آموزش‌ها احتمال بزه دیدگی کودکان یاد شده بسیار کاهش یابد. آنچه این ضرورت را بیشتر مطرح می‌کند این واقعیت است که به‌طور کلی کودکان و نوجوانان حق دارند از فرایند جامعه پذیرسازی مناسبی برخوردار شوند. با این وجود کاستی‌های گوناگون معرفت شناختی و نیز عملیاتی در نهاد خانواده سبب شده است که برخی از خانواده‌ها به دلیل چالش‌های درونی و یا فراخانوادگی در راه انجام این رسالت مهم و سرنوشت ساز ناکام باشند و نتوانند انتظارات موجود در این راستا را به‌خوبی برآورده سازند.

از آن جا که کاستی یاد شده در فرایند جامعه پذیرسازی کودکان می‌تواند از آنان شهروندانی جامعه ستیز و یا حتی بزه‌کارانی پایدار بسازد، لازم است که با استفاده از راهبردهای مناسب به بازجامعه پذیرسازی یا جامعه پذیرسازی دوباره این شهروندان یاری رساند. در این صورت، می‌توان دید که هریک از سازه‌های نظام اجتماعی در فرایندی هماهنگ با یکدیگر عمل کرده و می‌کوشند تا بیشترین شمار شهروندان پیرو قانون را در جامعه تربیت کنند.

ناگفته پیداست که بی‌توجهی یا ناکامی در راه باز جامعه پذیرسازی کودکان و نوجوانانی که نتوانسته یا نخواسته‌اند چگونگی زیستن در جامعه را از خانواده، گروه‌های همسالان مدرسه و دیگر نهادهای جامعه‌ی بیاموزند، بسیار خطرناک است و می‌تواند پیامدهای جرم شناختی نامطلوبی را در آینده برای جامعه به همراه بیاورد. پیش‌بینی نهادهایی عملگرا با اختیاراتی مشخص به منظور انجام رسالت جرم شناختی بازجامعه پذیرسازی کودکان و نوجوانان بسیار اهمیت دارد و می‌تواند خود به پیامدهای اجتماعی سازنده‌ای همانند تربیت شهروندانی متعارف و هماهنگ با قوانین منجر شود. در این صورت است که می‌توان انتظار داشت احتمال ارتکاب جرم در جامعه به کمترین میزان خود رسیده و نظام عدالت کیفری در راه انجام مهم‌ترین رسالت خود یا مدیریت کیفری جامعه، کارنامه‌ای پیروزمند داشته باشد.

۴- سازوکارشناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده

در حقوق ایران مسئله‌شناسایی کودکان بزه دیده مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته که در گذر زمان دچار تحول گردیده و در آخرین مقرر و در سال ۱۳۹۹ قانون‌گذار از ابزارهای ویژه‌ای نظیر اجباری ساختن گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره‌آمیز برای عامه و ایجاد وظیفه‌شناسایی و گزارش دهی برای سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی و غیردولتی بهره جسته است.

اولین کارکرد مستقیمی که پس از قرار گرفتن کودک در درون خانواده از الگوی خانوادگی مطلوب

مورد انتظار است، تأمین نیازهای اولیه جسمانی و زیستی کودک، نیاز به امنیت که تقویت‌کننده احساس اعتماد به نفس می‌باشد؛ نیاز به تعلق که مبنای احساس پیوند اجتماعی است و نیاز به احترام را که شالوده شکل‌گیری عزت نفس در کودک است را می‌توان از کارکردهای اساسی و اولیه رشدی خانواده تلقی کرد. سوءعملکرد خانواده در تأمین این نیازها روند رشد مطلوب کودک را مختل کرده و وی را در معرض خطر بزه کاری قرار خواهد داد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۲۰).

با توجه به تنوع گونه‌های خشونت و سوءاستفاده از کودکان موارد بسیاری وجود دارد که هرگز فاش نشده و در تاریکی مطلق ناشی از ارقام سیاه مدفون شده‌اند به همین جهت در پژوهشی که از جرایم علیه کودکان توسط دفتر کمیسیونر بزه دیدگان صورت گرفته، از کودکان بزه دیده تحت عنوان «رنج دیدگان در سکوت» یاد شده است (صلح چی، ۱۳۸۹، ۲۱۹)؛ بنابراین، گام نخست در راستای حمایت از کودکان بزه دیده و در معرض خطر، تسهیل‌شناسایی آن‌ها جهت اعمال تدابیر پیشگیرانه و حمایتی است و برای نیل به این هدف باید از روش‌هایی نظیر اجباری ساختن گزارش دهی توسط مدرسه، خانواده، بستگان و به‌طور کلی ایجاد تکالیفی جهت گزارش بزه دیدگی کودکان توسط آحاد جامعه و همچنین ایجاد مراکزی جهت خوداظهاری و شنیده شدن اطفال و نوجوانان، استفاده نمود (عباچی، ۱۳۸۳، ۷۷).

شناسایی در بند هفتم ماده اول آیین نامه اجرایی ماده ششم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ این گونه تعریف شده است: «تشخیص طفل و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده، توسط مددکاران اجتماعی به‌زیستی یا سایر مراجع ذیصلاح». قانون‌گذار در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، وظایفی را در راستای تسهیل امرشناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده در نظر گرفته است که در سه بخش قابل بررسی است: اول- ایجاد حق شکایت برای کودک. دوم- اجباری ساختن گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره‌آمیز و جرایم بر علیه کودک. سوم- ایجاد تکلیف بر سازمان‌ها و نهادهای مسئول در این زمینه. همچنین مطابق ماده بیست و هفتم قانون نمونه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر لبنان: «قاضی می‌تواند پس از استماع اظهارات پدر و مادر یا یکی از آن‌ها حتی الامکان نوجوان را در محیط طبیعی خود نگه دارد، مشروط بر این که شخص یا مؤسسه اجتماعی را تعیین کند». به علاوه ماده بیست و نهم قانون فوق در این زمینه چنین مقرر داشته است: «اگر خطر بزه کاری با دسترس بودن عناصر جرم همراه باشد، همان‌طور که ممکن است در موارد تکدی‌گری و ولگردی اتفاق بیفتد، قاضی اطفال باید اقداماتی را که وضع کرده هماهنگ نماید». همان‌گونه که ملاحظه گردید، اقداماتی در راستای شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر در قوانین لبنان جهت حمایت از این افراد پیش‌بینی شده است.

۴-۱- ایجاد حق شکایت برای کودک مستقل از اولیاء و سرپرستان قانونی

تا پیش از تصویب قانون حمایت از نوجوانان در سال ۱۳۹۹، از سوی مخالفان و موافقان دلایل بسیاری در پذیرش یا عدم پذیرش شکایت کودک بزه دیده به‌ویژه در شرایطی که جرم دارای جنبه خصوصی باشد، مطرح می‌شد؛ از جمله شرایط اهلیت و بلوغ لازم برای طرح دعوا. پس از تصویب قانون یاد شده و آیین نامه اجرایی ماده ششم این قانون که در سال ۱۴۰۰ به تصویب رسید، علاوه بر این که در ماده سی و یکم قانون مذکور تمامی جرایم علیه کودکان دارای جنبه عمومی دانسته شده، حق طرح شکایت یا اعلام وضعیت‌های مخاطره‌آمیز توسط کودکان نیز به رسمیت شناخته شده است؛ در این راستا ماده سی ام قانون مذکور، تقاضای طفل و نوجوان را علاوه بر موارد ماده شصت و چهارم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ از موارد جهات شروع به تعقیب برشمرده و همچنین ماده‌های پنجم و بیست و هشتم آیین نامه اجرایی ماده ششم قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۴۰۰ که در شرح وظایف سازمان بهزیستی و نیروی انتظامی برای شناسایی کودکان در معرض خطر نگاشته شده، تقاضای کتبی یا شفاهی طفل یا نوجوان یا مراجعه حضوری آن‌ها به مراکز بهزیستی یا فوریت‌های اجتماعی و یا نیروی انتظامی را از موارد شناسایی و پیگیری محسوب نموده است.

۴-۲- مکلف نمودن عامه مردم بر گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره‌آمیز کودکان و جرایم بر علیه آن‌ها

یکی از روش‌های کارآمد در راستای کاستن از رقم سیاه بزه دیدگی کودکان، ملزم نمودن عامه مردم به گزارش موارد بزه دیدگی و موقعیت‌های مخاطره‌آمیز است. در بسیاری از کشورها اقدامات مؤثری در جهت کاهش بزه دیدگی کودکان از طریق اجباری ساختن گزارش سوءرفتارها و بزه دیدگی‌ها انجام گرفته است. این تدبیر به‌ویژه در موارد بزه دیدگی‌های ناشی از غفلت از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است؛ چرا که این قسم از بزه دیدگی‌ها رؤیت‌پذیری کمتری نسبت به دیگر آسیب‌ها دارند و به همین جهت ممکن است تا مدت‌ها چنین وضعیت‌هایی استمرار داشته باشند (زینالی، ۱۳۸۸، ۱۵۸).

در ایران پیش از تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹، گزارش دهی جرایم به صورت عام تنها به موارد محدودی اختصاص یافته بود، مانند ماده شصت و ششم قانون مجازات اسلامی (کتاب پنجم تعزیرات) مصوب ۱۳۷۵ و ماده هفتاد و دوم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ و به صورت کلی تکلیفی به گزارش دهی جرایم متوجه افراد جامعه نبود، البته گزارش افراد جامعه و

سازمان‌های مرم نهاد، مطابق ماده‌های شصت و پنجم، شصت و ششم و هفتم قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ تحت شرایطی می‌تواند مورد قبول واقع شود. درخصوص کودکان تا پیش از قانون حمایت از اطفال و نوجوانان در سال ۱۳۹۹، تکلیفی برای عامه مردم به گزارش دهی موقعیت‌های مخاطرات‌آمیز و جرایم علیه کودکان وجود نداشت، اگرچه در مقررہ پیشین^۱، صرفاً مؤسسات و افرادی که وظیفه نگاهداری و حفاظت از کودکان را دارند و آن هم در صورت مشاهده کودک آزاری و نه اطلاع از آن مکلف به گزارش دهی بودند. در این راستا قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۲، در ماده هفدهم گزارش دهی موقعیت‌های مخاطره‌آمیز شدید یا قریب الوقوع کودکان، شروع به جرایم و جرایم علیه آن‌ها را برای عامه مردم اجباری ساخت و عدم اجرای این وظیفه را حسب مورد موجب اعمال یک تا سه مورد از مجازات‌های درجه شش دانست.

درخصوص گزارش و شکایت سرپرستان قانونی به نیابت از اطفال و نوجوانان، برخی پژوهشگران در مورد صحت گزارشات سرپرستان اطفال و نوجوانان تردید دارند و ادعا می‌کنند که شواهد موجود برای سودمندی گزارشات آنچنان مقبول نیست که بتوان با استفاده از این گزارش‌ها به‌عنوان یک منبع واحد اطلاعاتی تمام لایه‌های بزه دیدگی کودک را کشف کرد و گزارشات ممکن است مستعد سوءگیری پاسخ باشند. ازسوی دیگر قربانی شدن کودک به‌ویژه در موارد کودک آزاری و بی‌توجهی، ممکن است سرپرستان کودکان را نیز درگیر کند و احتمال دارد مخبر والدین یا سرپرستان اطفال و نوجوانان نیز کسی باشد که خود مرتکب خشونت شده است. در چنین شرایطی بعید نیست که سرپرستان یا مخبرین والدین تمام واقعیات را بازگو نکنند (زینالی، ۱۳۸۲، ۱۳۷).

۳-۴- ایجاد تکلیف به‌شناسایی اطفال و نوجوانان برای نهادهای متولی امر کودک

مشارکت نهادهای دولتی و غیردولتی در حمایت از اطفال و نوجوانان از مهم‌ترین راهکارهای ارتقاء سطح کیفی سیاست جنایی پیشگیرانه در جهت جلوگیری کاهش اتلاف منابع، سرمایه‌ها، افزایش راندمان و بازدهی برنامه‌های حمایتی است. پاسخ به پدیده کودک آزاری منحصر به مراجع قضایی و شبه قضایی نیست و اتفاقاً واکنش مراجع قضایی به‌عنوان آخرین راهکار در نظر گرفته می‌شود، چرا که با توجه به طبیعت کودک آزاری و احتمال بزه دیدگی ثانویه در فرایند پیگیری‌های قضائی، اولویت با مراجع غیرقضایی است.

در این راستا قانون پیشگیری از جرم مصوب ۱۳۹۴ در ماده سوم به تصویب برنامه‌های ایجادکننده زمینه‌های مشترک همکاری با نهادهای دولتی و غیردولتی در ساحت پیشگیری از وقوع جرم تأکید کرده است؛ بنابراین در اجرای برنامه‌های حمایتی و پیشگیرانه علاوه بر مراجع قضایی به‌عنوان یک سیستم ذاتاً مسئول، باید دیگر ارگان‌های دولتی و غیردولتی را نیز به کار گرفت، این موضوع در قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و علاوه بر ایجاد ساختار و وظایف جدید برای قوه قضائیه برای برخی نهادها وفق ماده ششم وظایفی حمایتی در نظر گرفته شده که از جمله آن‌ها می‌توان به شناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده اشاره نمود. همچنین، در بند اول ماده چهارم قانون نمونه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر لبنان مقرر شده است: «حفاظت از زندگی کودک باید وظیفه اصلی هر شخص، مؤسسه یا نهاد دیگری باشد که با آن سروکار دارد». به علاوه در راستای سیاست ملی حمایت از کودکان و آژانس حمایت از کودکان، در بندهای اول^۲ و دوم^۳ ماده ششم قانون نمونه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر لبنان به‌عنوان یک تکلیف به تأسیس آژانس حمایت از کودکان اشاره نموده است.

۵- جرم‌انگاری حمایتی

جرم‌انگاری درخصوص کودکان به جهت آسیب‌پذیری و پذیرش جامعه در راستای حمایت از کودک امری ضروری بوده و سیاست‌های حمایتی افتراقی در حقوق کیفری ویژه کودکان را متبلور می‌سازد.

۲- آژانس حمایت از کودکان (HCPA) باید تأسیس شود، باید وضعیت یک شخص حقوقی داشته باشد و وظیفه کلی آن هماهنگ کردن فعالیت‌های انجام شده توسط کمیته‌های حمایت از کودکان (CPC) و همه ارانه دهندگان خدمات حفاظت از کودک است. نظارت، تشویق، نظارت، تشکیل، سازمان‌دهی و مأموریت آژانس حمایت از کودکان بدین وسیله تعیین خواهد شد. دولت باید بودجه کافی برای ایجاد و راه اندازی یک آژانس حمایت از کودکان فراهم کند.

۳- آژانس حمایت از کودکان باید تمام اقدامات حفاظتی و توصیه‌های لازم را در مورد تدوین خط مشی حفاظت ملی انجام دهد. از طریق موارد زیر به‌خصوص برای کودکان. الف- هماهنگی و اجرای کلیه سیاست‌های حمایت از کودکان توسط سازمان‌ها، سازمان‌ها و نهادهای مربوطه. ب- پیشنهاد به نهادهای مقننه و مجریه و شرکت در بحث در مورد تدوین قوانین تقنینی مربوطه، با محافظت از کودک. ج- تهیه و فعال‌سازی برنامه‌های حمایت از کودکان در سطوح ملی، منطقه‌ای و ملی با تأمین منابع مالی ضروری و تخصیص آن‌ها در کمیته‌های حمایت از کودکان و ارائه مشاوره در مورد اولویت‌ها در اجرای این برنامه. د- اطمینان حاصل شود که همه اعضای آژانس حمایت از کودک و کمیته‌های حمایت از کودکان از تجربه لازم برای انجام وظایف برخوردار هستند و مرتبط با حمایت از کودک و دریافت آموزش مداوم در مورد آخرین پیشرفت‌ها در زمینه حمایت از کودک هستند. ث- اطلاع‌رسانی به مردم در مورد فعالیت‌های انجام شده توسط آژانس و مواردی که کودکان مورد بی‌توجهی و آزار قرار می‌گیرند. ت- اطلاع‌رسانی به مردم در مورد فعالیت‌های انجام شده توسط آژانس و مواردی که کودکان مورد بی‌توجهی و آزار قرار می‌گیرند. س- سوءاستفاده و بهره‌کشی با هدف دستیابی به پیشرفت روزافزون حقوق و رفاه کودکان در این زمینه کشور.

۵-۱- حمایت کیفری ساده

قوانین کیفری یک سازوکار برای پیشگیری از بزهکاری و بزه دیدگی به شمار می‌روند. البته لازم به ذکر است که این حمایت کیفری به تنهایی برای پیشگیری از بزه دیدگی کافی نیست و در کنار آن باید ضمانت اجرای اجتماعی نیز در نظر گرفته شود که متأسفانه از دید قانون‌گذاران مغفول مانده است (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ۱۳). در این نوع حمایت قانون‌گذار تحت یک ماده عام، رفتار خاص افراد کل جامعه را جرم انگاری می‌کند و تفاوتی میان این که بزه‌دیده کودک یا بزرگسال باشد قائل نیست. مثلاً قتل که در قانون مجازات اسلامی تفاوتی بین این که مقتول کودک باشد یا فرد بزرگسال، قائل نمی‌شود.

۵-۲- حمایت کیفری افتراقی

این جنبه از حمایت کیفری بر پایه وضعیت آسیب‌شناسانه بزه‌دیدگان خاص به یک حمایت کیفری افتراقی می‌انجامد. درخصوص کودکان برعکس بزرگسالان، به لحاظ آسیب‌پذیری جرم‌انگاری موسع پذیرفته شده است که با توجه به آمار رفتارهای آسیب‌زا نسبت به کودکان، نوع رفتارها و ویژگی‌های مرتکبان آن قابل اعمال است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ طی ماده‌های متعددی و همچنین در قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ از کودکان حمایت کیفری افتراقی به عمل آمده است (رایجیان اصلی، ۱۳۸۴، ۷۹).

نتیجه

کودکان به‌عنوان آسیب‌پذیرترین و بی‌دفاع‌ترین قشر جامعه نیازمند حمایت ویژه‌ای هستند. برخی از آن‌ها به دلیل شرایط خانوادگی، اقتصادی و... نسبت به بقیه از موقعیت حساس‌تری برخوردارند فلذا می‌بایستی تدابیر خاص حمایتی جهت نجات این قشر آسیب‌پذیر اندیشیده شود. به این دسته از کودکان، کودکان در معرض خطر گفته می‌شود. کودکان در معرض خطر به دلیل شرایط ویژه‌ای که دارند با سقوط در ورطه بزهکاری و بزه دیدگی فاصله اندک دارند و اگر تدابیر حمایتی به موقع به کار گرفته نشود یا بزه کار می‌شوند یا بزه دیده. عوامل خطری که کودکان را در این شرایط ویژه قرار می‌دهد را می‌توان به دو دسته عمده فردی و اجتماعی تقسیم کرد. معلولیت جسمی، ذهنی، اختلالات روانی از جمله عوامل خطر فردی محسوب می‌شوند که احتمال بزهکاری و بزه دیدگی اطفال را افزایش می‌دهد.

در رابطه با اطفال در معرض خطر مجلس شورای اسلامی وظایف مهمی بر عهده دارد؛ چرا که تدوین

قوانین حمایتی کارآمد بستر اصلی فعالیت‌های حمایتی اجرایی را فراهم می‌سازد. خوشبختانه امروزه شاهد پیشرفت چشمگیری در زمینه تدوین قوانین حمایتی اطفال هستیم؛ قانون حمایت از کودکان و نوجوان مصوب ۱۳۸۱ به هیچ وجه پاسخگوی نیازهای این قشر آسیب پذیر نبوده است، اما قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ جهت حمایت هر چه بهتر از اطفال نوآوری‌های فراوانی دارد از جمله این که برای نخستین بار به تعریف وضعیت مخاطره‌آمیز پرداخته است. تا پیش از تصویب این قانون، متون تقنینی فقط به کودکان بزه کار و بزه دیده توجه داشتند، اما یکی از نوآوری‌های این قانون، شناسایی و حمایت از این قشر آسیب است. قانون حمایت از کودکان و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹ علاوه بر تعریف وضعیت مخاطره آمیز، طی ماده‌هایی وظایف حمایتی هریک از سازمان‌هایی که به نحوی با اطفال سرو کار دارند را مشخص نموده است و نیز برای سازمان‌های مردم نهاد هم وظایفی مشخص نموده است.

در قوانین کیفری لبنان به‌ویژه قانون نمونه حمایت از اطفال و نوجوانان در معرض خطر تدابیر ویژه‌ای به منظور حمایت از این قشر آسیب پذیر پیش‌بینی شده است و تکالیف مختلفی برای سازمان‌ها و نهادهایی که با تربیت اطفال و نوجوانان سروکار دارند در نظر گرفته شده است. برخی از این تدابیر و حمایت‌ها جنبه کیفری داشته و برخی دیگر فاقد جنبه کیفری هستند.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

- ابراهیمی، نصیب؛ کلاتری، کیومرث؛ صفری کاکرودی، عابدین، ۱۳۹۶، پیشگیری پلیس محور از بزه دیدگی کودکان در مدارس و راهکارهای آن، **فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری**، شماره ۳۳.

- انجمن روان پزشکی امریکا، ۱۳۹۴، **راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی**، ترجمه یحیی سیدمحمدی، چاپ چهارم، تهران، انتشارات ارسباران.

- ایولاسال، ژان و نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۶، صغار در معرض خطر در حقوق فرانسه مددکاری

تربیتی، فصلنامه تحقیقات حقوقی، شماره ۴۶.

- حسین پور، میلاد و غلامی، میلاد، ۱۴۰۱، بررسی سازوکارشناسایی اطفال و نوجوانان در معرض خطر و بزه دیده در پرتو قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب ۱۳۹۹، **مجله دستاوردهای نوین در مطالعات علوم انسانی**، شماره ۵۰.

- حسینی، سیدحسین؛ صالح آبادی، زهرا؛ حسینی نیز، سیده ساعد، ۱۳۹۸، بررسی تطبیقی هرزه نگاری در حقوق ایران و امریکا، **دوفصلنامه حقوق تطبیقی**، شماره ۱۲۰.

- رایجیان اصلی، مهرداد، ۱۳۸۴، **بزه دیدة شناسی حمایتی**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- زینالی، امیرحمزه، ۱۳۸۲، نوآوری‌های قانون حمایت از کودکان و نوجوانان و چالش‌های فراوی آن، **فصلنامه رفاه اجتماعی**، شماره ۸.

- زینالی، امیرحمزه، ۱۳۸۸، **ابعاد حقوقی و جرم‌شناسی حمایت از کودکان و نوجوانان در معرض خطر**، چاپ اول، تهران، انتشارات شرکت سهامی روزنامه رسمی کشور.

- زینالی، امیرحمزه، ۱۳۹۰، **آسیب‌شناسی حقوق کودک در ایران**، چاپ اول، تهران، انتشارات میزان.
- صلح چی، محمدعلی، ۱۳۸۹، ارزیابی لایحه رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان بر اساس موازین بین‌المللی حقوق بشر، **فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم**، شماره ۱۷.

- طباطبایی، سیدموسی؛ بیگدلی، ایمان اله؛ بیابانی، غلامحسین؛ حدادی، طاهره، ۱۳۹۲، بررسی میزان شیوع اختلالات روانی رفتاری در کودکان دارای والدین زندانی مقیم زندان‌های استان سمنان، **فصلنامه طب انتظامی**، شماره ۱.

- عباچی، مریم، ۱۳۸۳، پیشگیری از بزه کاری و بزه دیدگی کودکان، **مجله حقوقی دادگستری**، شماره ۴۷.

- مهدوی، محمود، ۱۳۹۷، **پیشگیری از جرم**، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.
- معظمی، شهلا، ۱۳۹۰، **بزهکاری کودکان و نوجوانان**، چاپ اول، تهران، انتشارات دادگستر.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، ۱۳۸۳، **پیشگیری عادلانه از جرم**، مندرج در علوم جنایی، چاپ اول، تهران، انتشارات سمت.

No.21- Autumn 2024

The Procedure of Arbitration of ICSID about Umbrella Clause

Amirhosein Yazdani, Naser Alidoosti Shahraki

Legal Analysis of Opinions Issued by the International Court of Justice Regarding Lawsuits Related to Iran

Sima Abbasi, Shahrooz Darbandi

Conflicts between Israel and Hamas in the Mirror of International Criminal Law (2023 AD)

Mohammad Babaei, Navid Zamaneh Ghadim, Davood Alizadeh

The Role of Lifestyle and Adherence to Health Protocols in Preventing Crimes Related to COVID-19 According to Experts in Iranian Criminal Law

Iraj Morvati

Managing Transboundary Petroleum Deposits: Cooperation as a Customary Obligation

(with Emphasis on Final ICJ Award in 2017 between Ghana and Côte d'Ivoire)

Ali Rezaei, Sayyed Rasol Tabatabaei Moghaddam

Criminal Protection of Children and Adolescents at Risk in the Laws of Iran and Lebanon

Amin Reza Bahar Falamarzi

The Way of Managing the Property of Prisoners in Iranian and Turkish Laws

Sara Farzadi Mehr, Mohammadreza Haghighi, Esmail Amouri

Analyzing and Investigating the Nature of Reward in the Iranian Law System

Amir Mohammad Tavakoli, Mohammad Reza Azodi, Ghasem Tavakoli

Examining the Nature and Legal Dimensions of the Provisional Measures Issued by the Dispute Resolution Committee of the Ministry of Oil

Sheyda Ghamafrooz, Mohammad Reza Afshari, Mehdi Piri

The Rights of Institutional Shareholders and Retail Shareholders in Iran's Capital Market

Parisa Rezvan, Ali Zare

Limitations on the Military Activity of Third States in the Exclusive Economic Zone of the Coastal State

Mohsen Behjati

Adoption in the Legal System of Iran and England

Zahra Makki, Esmail Kashkoulian

The Legal Basis of Establishing Non-governmental Schools in Iran, Emphasizing the Role of Education in Preventing Crime

Mina Daneshamooz, Hakimeh Abolhasani

Democratic and Authoritarian Paths in the Future of International Law

Saeid Behdoudi Nejad

Smart Cities and International Trade Law

Aram Abbaspour Jalali

The Effect of Jus Cogens Norms: Whoever Opened Pandora's Box, Did You Ever Think About the Consequences?

Soheil Golchin

The Relationship between Transparency Obligations and Foreign Investment in Renewable Energies: Realising the Potential Role of IIAs

Yusef Akhlaghi

Iran's Criminal Policy for Specific Military Crimes of the Armed Forces

Yasser Shakeri